

مروری بر خطبه ی غدیر/عهد گرفته
شده

مروری بر خطبه ی غدیر/عهد گرفته شده
منبع : موعود - دی 1385، شماره 71،

پیامبر اکرم(ص) در سال پایانی عمر پربرکت خود - سال دهم هجرت - برای اولین بار، به طور رسمی، اعلان حج نمودند تا همه مردم بنا بر استطاعت خود، در این کنگره بزرگ جهانی حاضر شوند. این حج در تاریخ به «حجّة الوداع» یا «حجّة البلاغ» مشهور شده است. جمعیت حاضر در این کنگره عظیم، حدود 120 هزار نفر بودند. از این تعداد حدود 70 هزار نفر از مدینه النبی به همراه حضرت حرکت کرده بودند.

آن حضرت، چند روز مانده به ذیحجه، از مدینه خارج شد و پس از احرام بستن در مسجد شجره به طرف مکه حرکت کرد.

حضرت علی(ع) نیز که به امر رسول الله(ص)، به یمن رفته بود، با دوازده هزار نفر، در مکه به آن حضرت پیوست. مسلمانان اعمال حج را در این سفر از آن بزرگوار آموختند. در این سفر، ایشان سه خطبه مهم ایراد فرمودند.

خطبه اوّل در «منی»، در واقع زمینه ساز خطبه غدیر و نصب خلافت بود. در این خطبه 1، بعد از حمد و ثنای الهی فرمود:

«ای مردم! گفته های من را بشنوید و درباره آن بیندیشید. نمی دانم، شاید بعد از این سال، من شما را ملاقات نکنم». سپس اشاره فرمود: «هر ربایی که در دوران جاهلیت گرفته شده و هر خونی که به ناحق ریخته شده، رسماً بخشیده می شود تا کینه توی ها و دشمنی ها از بین برود». سپس مردم را از اختلاف ها بر حذر داشت. آن حضرت(ص) تصریح فرمود که: اگر من نباشم، علی بن ابی طالب، در مقابل متخلفین خواهد ایستاد.» سپس به حدیث ثقلین اشاره کرد و فرمود:

من دو چیز گران قدر، در میان شما باقی می گذارم که اگر به این دو تمسک جوید، هرگز گمراه نمی شوید. این دو، کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم هستند.

خطبه دوم را نیز، روز سوم در منی و در مسجد خیف ایراد فرمود. در این خطبه، به تفرقه نینداختن بین مسلمین سفارش کرد و بار دیگر مسئله خلافت را تذکر داد و حدیث ثقلین را مجدداً تکرار کرد.

در کتاب سلیم 2 و نیز بحار الانوار 3 آمده است: «در این مقطع بود که منافقان احساس خطر کردند و بین خود، پیمان نامه ای را نوشتند که در تاریخ به نام «صحیفة ملعونه» مشهور شده است. در این پیمان نامه آمده بود که:

اگر محمد از دنیا رفت، یا کشته شد، نگذاریم خلافت و جانشینی وی، در اهل بیتش مستقر شود.

اینان این معاهده را در کنار کعبه امضا کردند و با هم، هم قسم شدند. سپس آن را داخل کعبه زیر خاک پنهان کردند تا سندی الزامی برای خودشان باشد.

خداوند متعال آیات 79 و 80 سوره زخرف را در این جا بر پیامبر(ص) نازل کرد:

أمر أبرموا أمراً فإنا مبرمون. أم يحسبون أننا لا نسمع سرهم ونجويهم بلى و رسلنا لديهم يكتبون. بلکه آن ها تصمیم محکم بر توطئه گرفتند. ما نیز اراده محکم درباره آن ها داریم. ایا آن ها می

پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی شان را نمی شنویم؟ آری، رسولان و فرشتگان ما نزد آنان هستند و می نویسند.

با این آیات، اسرار آن ها نزد حضرت برملا شد.

نکته مهم در این سفر این است که جبریل امین، لقب «امیر المؤمنین» را به عنوان لقب اختصاصی حضرت علی (ع) از جانب پروردگار آورد. نبی اکرم (ص) نیز دستور داد تا یک یک اصحابش، نزد حضرت علی (ع) بروند و به عنوان امیر المؤمنین به وی سلام کنند، و «السلام علیک یا امیر المؤمنین» بگویند و بدین وسیله بر امیر بودن آن حضرت (ع) از آن ها اقرار گرفت.4. بعد از پایان مراسم حج، با این که انتظار می رفت نبی مکرم اسلام (ص) مدتی در مکه به سر برد؛ ولی آن حضرت فرمان حرکت داد و دستور فرمود، همه از این شهر مقدس خارج شوند و به طرف غدیر خم حرکت کنند. هنگامی که سیل حجاج بیت الله الحرام به سرزمین «رایغ» - نقطه ای بر سر راه مکه و مدینه - در سه میلی «جحفه» - که یکی از میقات های احرام است و راه مردم مدینه و مصر و «عراق» از آن جا جدا می شود، رسید جبریل امین در غدیر خم بر آن حضرت فرود آمد و با ایه 67 سوره مائده، وی را مورد خطاب قرار داد:

یا ایها الرسول بلّغ ما اُنزل الیک من ربّک و إن لم تفعل فما بلّغت رسالته

و الله یعصمک من الناس إنّ الله لا یهدی القوم الکافرین

ای پیامبر! آنچه که پروردگارت به تو دستور داده است به مردم ابلاغ کن که اگر این کار را انجام ندهی، رسالت خود را به پایان نرسانده ای و خدا تو را از مردم حفظ می کند و گروه کافران را هدایت نخواهد کرد.

خطاب ایه به گونه ای است که خداوند متعال، رساندن امری خطیر و مهم را به عهده آن جناب گذاشته است که اگر به انجام نرسد، گویا رسالت ناتمام تلقی می شود.

و چه امری مهم تر از این که در برابر دیدگان حدود صد و بیست هزار نفر، رسماً علی (ع) را به جانشینی و خلافت و وصایت خود معرفی فرماید و وی را به این مقام منصوب کند. به همین دلیل، دستور توقف صادر شد و کاروان زائران، در این مکان، از حرکت باز ایستاد.

حضرتش نماز ظهر را با جماعت خواند و سپس در حالی که میان جمعیت، بر روی نقطه بلندی که از جهاز شتر و دیگر وسایل در دسترس ترتیب داده بودند، قرار گرفت، با صدای بلند و رسا، خطبه غدیر را ایراد فرمود. با سیری گذرا و نگاهی اجمالی به این خطبه، می توان آن را در یازده فراز ترسیم کرد.

فرازهای خطبه غدیر

1. حمد و ثنای الهی

پیامبر(ص) در اوّلین بخش، حمد و ثنای الهی را به جای آورده و قدرت، عدالت، علم، کرم، لطف و رحمت حق تعالی را ذکر فرمود و این که خداوند مثل و مانند و همتا و شریکی ندارند، پاک و منزّه و قدوس است. سپس به بندگی خود و اظهار خضوع در مقابل ذات حضرت حق شهادت داد. در مجموع در این فراز، یک دوره درس توحید و بیان صفات ثبوتیه و صفات سلبیه خداوند متعال را متذکر شد.

2. ذکر فرمان الهی

پیامبر(ص) مطلب اصلی را صریحاً بیان کرده و فرمود: فرمانی قاطع و روشن از طرف خداوند متعال، مبنی بر اعلان امامت و ولایت امیر المؤمنین(ع) آمده است و خداوند، از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق علی به من امر کرده، ابلاغ کنم. سپس ایشان ایه 67 سوره مائده را تلاوت کرد و فرمود:

ای مردم! من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده، کوتاهی نکرده ام و سبب نزول این آیه را برای شما بیان می‌کنم: جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام، پروردگارم - که او سلام است - مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع به پا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم: علی بن ابی طالب، برادر من، وصی، و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است. نسبت او به من، همانند نسبت هارون به موسی است؛ جز این که پیامبری بعد از من نیست و او صاحب اختیار شما، بعد از خدا و رسولش است.

3. اعلام رسمی ولایت و امامت دوازده امام (ع)

حضرت در این قسمت از سخنان خود، امامت دوازده امام بعد از خود را به طور رسمی بیان کرد تا ریسمان طمع طمع کاران یک باره بریده شود و اشاره فرمود که: ولایت آن‌ها بر همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها و مکان‌ها و در جمیع امور نافذ است. آن‌ها نیابت تامه از خدا و رسول، در همه اعمال و رفتار و تبیین حلال و حرام دارند و شک‌کننده در این امر کافر است. بخشی از این فرارز، این‌گونه می‌باشد:

ای مردم! این مطلب را درباره‌ی او بدانید و بفهمید و بدانید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که بر مهاجرین و انصار و تابعین آن‌ها به نیکی، بر روستایی و شهری، بر عجمی و عربی، بر آزاد و بنده، بر بزرگ و کوچک، بر سیاه و سفید، اطاعتش را واجب کرده است. بر هر یکتا پرستی - بر هر موجودی - حکم او اجرا شوند و کلام او، مورد عمل و امر او، نافذ است. هر کس تابع او باشد و او را تصدیق کند، مورد رحمت الهی است. خداوند او را و هر کس را که از او بشنود و او را اطاعت کند، آمرزیده است.

ای مردم! این آخرین باری است که در چنین اجتماعی، به پا می‌ایستم؛ پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر خداوند، پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید. زیرا که خداوند عزّ و جلّ صاحب اختیار شما و معبود شماست. بعد از خداوند، رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده و بعد از من، علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است و بعد از او، امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.»

در ادامه فرمود:

«حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنانان - امامان - حلال کرده باشند و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنانان - امامان - بر شما حرام کرده باشند. خداوند عزّ و جلّ حلال و حرام را به من شناسانده است و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته است، به او سپرده ام.

... ای مردم! او به امر خداوند، امام است. هر کس ولایت او را انکار کند، خداوند هرگز توبه اش را نمی‌پذیرد و او را نمی‌بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید، چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت و تا آخر روزگار معذب کند. پس پرهیزید از این که با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتش‌گیره آن، مردم و سنگ‌ها هستند و برای کافران آماده شده است.

... ای مردم! به خدا قسم، پیامبران و رسولان پیشین، به من بشارت داده اند و من به خدا قسم، خاتم پیامبران و مرسلین و حجّت بر همه مخلوقین از اهل آسمان‌ها و زمین‌ها هستم. هر کس در این مطالب شک کند، مانند کفر جاهلیتِ اوّل، کافر شده است و هر کس در چیزی از این گفتار من شک کند، در همه آنچه بر من نازل شده، شک کرده است. هر کس در یکی از امامان شک کند، در همه آن‌ها شک کرده است و شک‌کننده درباره ما، در آتش است.

... ای مردم! علی و پاکان از فرزندانم از نسل او، ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دو، از دیگری خبر می‌دهد و با آن موافق است. آن‌ها از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر

حوض کوثر، بر من وارد شوند. بدانید که آنان، امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.»

4. بلند کردن امیر المؤمنین(ع)

رسول خدا(ص) با دست های خود، حضرت علی(ع) را بلند نمود و صریحاً فرمود:
ای مردم! این علی، برادر من و وصی من و جامع علم من و جانشین من در امتم است و جانشین من در تفسیر کتاب خدا و دعوت کننده به آن و عمل کننده به آنچه مورد رضای خداست.»

سپس فرمود:

اوست خلیفه رسول خدا، اوست امیر المؤمنین و امام هدایت کننده از طرف خدا، اوست قاتل ناکثین و قاسطین و مارقین به امر خداوند متعال. پروردگارا! به امر تو می گویم، بار الها! دوست بدار هر کس را که علی را دوست بدارد و دشمن علی را دشمن بدار. یاری کننده او را یاری، و خوار کننده او را خوار کن. لعنت کن هر کس را که علی را انکار کند و غضب نما بر هر کس که حق علی را انکار کند.

و در ادامه فرمود: «آنچه گفتم درباره این علی و فرزندان این علی است.»
پیامبر(ص) با این سخن خود، راه هر گونه شک و شبهه ای را بر مکاران و حيله گران بست.

5. تأکید بر مسئله امامت

در این قسمت، حضرت بر این نکته تأکید کرد:

ای مردم! خداوند دین شما را با امامت او کامل کرد. پس هر کس به او و کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عزّ و جلّ اقتدا نکند، اعمالش در دنیا و آخرت، از بین می رود و در آتش جاویدان خواهد بود.
سپس مختصری از فضایل علی(ع) را ذکر کرد و فرمود که دشمنی با وی، دلیل شقاوت و دوستی با او، دلیل پرهیزکاری است.

6. کارشکنی منافقان

با اشاره به آیه 47 سوره نساء: فرمود:

ای کسانی که به شما کتاب داده شده، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق کننده همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آن که چهره هایی را محو کنیم و در نتیجه آن ها را به قهقرا باز گردانیم یا همچنان که «اصحاب سبت» را لعنت کردیم، آنان را نیز لعنت کنیم، و فرمان خدا همواره تحقق یافته است.

به خدا قسم از این آیه گروهی از اصحاب من قصد شده است که آن ها را به اسم و نسب می شناسم؛ ولی مأمورم، از افشای این راز چشم بپوشم.» سپس به طور ضمنی، به اصحاب صحیفه ملعونه اشاره کرد و فرمود:

«ای مردم! بعد از من پیشوایانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت به آن ها کمک نمی شود. ای مردم! خداوند و من، از آنان بیزار هستیم. ای مردم! آن ها و یارانشان و تابعینشان و پیروانشان، در پایین ترین درجه آتش هستند و چه بد است جایگاه متکبران. بدانید آن ها اصحاب صحیفه هستند. پس هر یک از شما در صحیفه خود نظر کند.»

راوی می گوید: وقتی پیامبر(ص) نام اصحاب صحیفه را آورد، اکثر مردم، منظور حضرت را از این کلام نفهمیدند و برای آن ها سئوال برانگیز شد. فقط عده کمی که همان منافقان (امضا کنندگان صحیفه) بودند، مقصود را فهمیدند سپس فرمودند:

ای مردم! من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم. من آنچه مأمور به ابلاغش بودم، رساندم تا حجت باشد بر حاضر و غایب و بر همه

کسانی که حضور دارند یا ندارند، به دنیا آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

و به زودی امامت را بعد از من به عنوان پادشاهی، و با زور می گیرند. خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند.

7. دوستان و دشمنان اهل بیت(ع)

ابتدا با اشاره به سوره حمد فرمود: «مصدق این سوره و اصحاب «صراط مستقیم» که تکیه گاه این سوره است، اهل بیت و شیعیان آن ها می باشند.»

سپس آیاتی که در آن، صفات مومنین آمده 5 و به جایگاه آن ها در بهشت اشاره شده است، تلاوت فرمود و اینان را به شیعیان آل محمد معنی کرد و آیاتی را درباره منافقین و اهل جهنم و پیروان شیطان و ملعونین 6 خواند و به دشمنان آل محمد(ص) تعبیر کرد.

8. معرفی حضرت مهدی (عج)

حضرت بیاناتی را درباره حضرت بقیه الله الاعظم (عج) و اوصاف و خصوصیات ایشان فرمود. اجمالی از آن چنین است:

آخرین امام، مهدی(ع) از این خاندان است.

وی غالب بر همه ادیان است.

او فاتح قلعه ها و منهدم کننده آن هاست، انتقام گیرنده از ظالمین و همه خون های به ناحق ریخته شده است. غالب بر مشرکان و کافران و هدایت کننده آنان، و وارث جمیع علوم است.

همه پیشینیان درباره وی، بشارت داده اند. او بر همه پیروز می شود. ولی خدا در زمین و حکم کننده بین خلق و امین الهی بر نهان و آشکار است. تعیین کننده دقیق درجات افضل افراد است.

او کسی است که غالبی بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی شود. او ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلق و امین او بر نهان و آشکار است.

9. آماده کردن مردم برای بیعت

سپس پیامبر(ص) اشاره فرمود که من بعد از اتمام خطبه، شما را به بیعت با خودم و سپس بیعت با علی(ع) دعوت می کنم و این بیعت، از طرف خداوند متعال و بیعت با حق تعالی است.

سپس آیه 10 سوره فتح را تلاوت فرمود:

کسانی که با تو بیعت می کنند، در واقع با خدا بیعت می کنند. دست خداوند بر روی دست آن هاست. پس هر کس بیعت را بشکند، این شکستن به ضرر خود اوست و هر کس به آنچه با

خدا عهد بسته، وفادار باشد، خداوند به او اجر عظیم عنایت خواهد کرد.

10. بیان حلال و حرام و واجبات الهی

حضرت در این بخش، ابتدا به طرح وجوب حج پرداخت و مطالبی درباره حج و عمره و فضایل آثار دنیوی و اخروی آن فرمود. سپس به نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد و چند

امر اساسی را به شرح زیر متذکر شد:

«اگر زمانی بر شما گذشت و درباره حلال و حرام الهی پرسشی داشتید یا آن را فراموش کردید، علی و امامان(ع) بعد از او، آن را برای شما بیان می کنند.

تعداد حلال ها و حرام ها بیش از این مقدار است و این بیعتی که از شما می گیرم، در واقع به نوعی بیان حلال و حرام تا روز قیامت است که از زبان آن ها بیان می شود.

به یاد داشته باشید که حلال و حرام بیان شده، غیر قابل تغییر است.

والاثرین و شاخص ترین امر به معروف، رساندن پیام غدیر است و هیچ امر به معروف و نهی از منکر نمی شود مگر با امام معصوم. دیگران را به اطاعت از آن ها، امر و از مخالفت ایشان

نهی کنید.

می تواند منظور حضرت این باشد که اوامر و نواهی را فقط امام می شناسد و به شما می شناساند. پس آنچه آن ها به شما گفته اند، به دیگران برسانید و از خود هیچ چیزی را به نام دین بدعت مگذارید.

11. بیعت گرفتن رسمی

در آخرین مرحله خطبه، مسئله بیعت مطرح شد. حضرت با توجه به آن جمعیت انبوه و شرایط غیر عادی زمانی و مکانی تصریح کرد که با یک دست و این گروه بسیار، بیعت با همگان امکان ندارد. خداوند دستور داده است، قبل از بیعت با دست، از زبان های شما اقرار بگیرم. بنابراین همگی چنین بگویید:

«ما شنیدیم، اطاعت می کنیم، راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت، به ما رساندی، درباره امر امامت امامان علی امیر المؤمنین و امامانی که از صلب او به دنیا می آیند. بر این مطلب، با قلب هایمان، با جانمان، با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و (روز قیامت) با آن محشور می شویم. این قول را تغییر نمی دهیم، تبدیل نمی کنیم، درباره آن شک نمی کنیم، آن را انکار نمی کنیم، و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم. تو ما را درباره علی امیر المؤمنین و امامانی که گفتی بعد از او، از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنان که خداوند بعد از آن دو منصوب کرده است، به موعظه الهی نصیحت کردی.

پس برای آن ها، عهد و پیمان از ما گرفته شد؛ از قلب هایمان، جان هایمان، زبان هایمان، ضمایرمان و دست هایمان. هر کس توانست، با دست بیعت می کند و گرنه با زبانش اقرار می کند. هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند در این باره از نفس هایمان دگرگونی نبیند. ما این مطالب را از قول تو، به نزدیک و دور از فرزندانمان و خویشاوندانمان می رسانیم و خدا را بر آن شاهد می گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می کند. تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی.»

پس از این بیعت گرفتن زبانی، بعد از سخنانی، مجدداً فرمود:

«ای مردم ! آنچه به شما گفتم، بگویید (و با خود تکرار کنید) و بر علی، به عنوان امیر المؤمنین سلام کنید و بگویید: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا ! مغفرت تو را می خواهیم و بازگشت به سوی توست. و بگویید: حمد و سپاس خدای را که ما را به این هدایت کرد و اگر هدایت نمی کرد، ما هدایت نمی شدیم.»

در پایان خطبه، فرمود:

«خدایا ! به خاطر آنچه ادا کردم و امر نمودم، مؤمنان را بیامرز و بر منکران که کافرنند، غضب نما و حمد و سپاس مخصوص خداوند عالم است.»

پی نوشت ها:

1. مجلسی، بحارالأنوار، ج 113، ص 37.
2. سلیم بن قیس، ص 154 و 203 و 260.
3. مجلسی، همان، ج 114، ص 37.
4. همان، ج 37، ص 111 و 120؛ کلینی، کافی، ج 1، ص 293 و 411؛ شیخ صدوق، خصال، ص 464.
5. سورة مجادله (58)، آية 22 و سورة انعام (6)، آية 82.
6. سورة اعراف (7)، آية 38 و سورة ملك (67)، آیات 11 - 8.